

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُلْ عُقْدَةً

مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

اکتوبر 2023

ربیع الاول/ربیع الثانی

شماره سه صد و سیزدهم

درموضوع قضائی نماز که بدون عذر بود ، قول جمهور فقهاء از مذاهب چهارگانه و غیر از ایشان، اداء قضائی اگر شخص استطاعت داشته باشد واجب است و در هر نماز ، قضاء نماز گذشته اداء شود ، و این قول راجح است.

و اگر استطاعت نباشد و یا اینکه خواندن آن مشکل برای انسان باشد عملکرد به قول علماء مانند داود الظاهری و ابن حزم و ابن تیمیه و دیگران نماید ، در رأی این علماء نماز های که ترک شده قضائی ندارد زیرا وقت آن شرعاً گذشته است و در هر دو قول دلائل معتبر وجود دارد .

در قول دوم لازم به قضائی نیست ، اما باید در توبه انسان صادق باشد و بیشتر استغفار کند و نوافل زیاد را اداء نماید ، از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است «اول مورد که انسان سؤال میشود نماز است، اگر کامل اداء شده باشد کامل نوشته میشود، و اگر کامل اداء نشده باشد خداوند عزوجل می فرماید:» انظروا هل تجدون لعبدی من تطوع فتكملوا بها فریضته/اخرجه أحمد(رقم: 16614، 16949، 23203) ، از حدیث ابی هریره و تمیم الداری ، اسناد آن صحیح است.» نظر اندازید

در باب قضائی نماز

(فتوی 168)

حکم قضائی نماز های قصدی

یک عده سؤال میکنند که در گذشته نماز ها را قصدا اداء نکرده اند ، اما حالا از این عمل خود توبه کرده اند .

آیا قضائی نماز ها را اداء کنند و چطور اداء کنند؟

در مورد قضائی نماز در شماره 310 جولای 2023 داکتر صاحب عبدالستار سیرت جواب مفصل داده اند ، برای معلومات بیشتر به آن مراجعه فرمایید . در این شماره جواب را از مجلس دارالافتاء اروپا می آوریم .

از علامات توبه نصوص خصوصاً در مورد سؤال ترک نماز بدون عذر این است که انسان بعد از توبه کردن بهتر از ما قبل میباشد. { إلا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات و كان الله غفوراً رحيماً } (الفرقان: 70). مگر کسی که توبه نموده و ایمان بیاورد و عمل شایسته ای انجام دهد؛ پس چنین کسانی، خدا بدی هایشان را به خوبی تبدیل می کند و خدا همواره بسیار آموزنده مهربان است.

از الله متعال می خواهیم که شما را ثابت در قضاء نماز های گذشته داشته باشد و این توجه و دقت علامه صدق توبه است إن شاء الله.

حکم قضائی /

که آیا در بنده من تطوع (ادای نافله ، ادای مستحبات ، عمل مستحب کردن ، پذیرفتن ، قبول کردن . متضاد تطوع: عصیان ورزی ، نپذیرفتن ، رد کردن) است ، از تطوع نقصان فرائض را تکمیل کنید.

و خداوند تعالی می فرماید: {إن الحسنات يذهبن السيئات} (هود: 114) . حسنات و نیکوکاریها ، سیئات و بدکاریها را نابود می کند .

طلاق بدعت و طلاق در حالت غضب**(فتوای 152)**

حکم طلاق بدعت، و طلاق در حالت غضب:

اول: طلاق بدعت: این نوع طلاق در روش و وقوع آن مخالف سنت است. این نوع طلاق با اینکه جواز ندارد ، با آنهم جمهور علماء می گویند که واقع میشود ، و برای شوهر اجازه مراجعت را میدهند و واجب است که شوهر مراجعت کند (یعنی با همسر خود یکجا شود) ، و این رأی مذهب امام مالک و یک روایت از امام احمد نظر به حدیث ابن عمر، که زن خود را در وقت حیض طلاق داد ، و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم امر کردند که به زن خود مراجعه کند (بازگردد). { متفق علیه: اخرجہ البخاری (رقم 5258) و مسلم (رقم: 1471) ، و دیده شود: ابن عابدین (233/3) و الدسوقی (361/2) ، الفتاوی الکبری، از ابن تیمیه (225/3).

و در جانب دیگر عده از علما به این عقیده اند که طلاق که خداوند شرع کرده نیست و طلاق واقع نمیشود ، و این امر با مقاصد شریعت متفق است و مقاصد شریعت تحقق آرامش و استقرار میباشد ، و حفظ خانواده از مقاصد شریعت است . در حدیث صحیح آمده: « من عمل

عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد» (متفق علیه: اخرجہ البخاری (رقم: 2697) و مسلم (رقم: 1718)) ، از حدیث عائشه . کسی در دین ما چیزی تازه و نو آورد ، آن بدعت مردود است و به دین نمی چسبد . در روایت مسلم: « هر کس کاری کند که برابر دستور ما نباشد ، آن کار مردود است».

حکم طلاق در حالت غضب

این مسأله اختلاف فیه است:

1) غضب که آثار و نتایج آن در انسان ملاحظه نمیشود و غضب عقل انسان را تغییر نمی دهد ، و شخص میداند که مقصدش از گفتار چیست ، در این حالت طلاق واقع میشود.

2) نوع دوم غضب که شخص قصد حقیقی و اراده خود را از آنچه می گوید از دست میدهد ، در این حالت طلاق واقع نمیشود به دلیل اینکه شخص شرعاً معذور میباشد ، به دلیل قول رسول اکرم صلی الله علیه و سلم: « لا طلاق و لا عتاق فی إغلاق» (احمد (رقم: 26360): ابو داود (رقم: 2193) ، و ابن ماجه (رقم: 2046): و الحاکم (رقم: 2803، 2802) ، از حدیث عائشه و حاکم صحت گذاشته است. طلاق در حالت اکراه ، طلاق نیست . امام احمد به غضب تفسیر کرده است ، به این معنی که طلاق در حالت غضب واقع نمی شود.

3) غضب متوسط یعنی بین دو حالت قبلی ، این نوع طلاق محل خلاف است ، رجحت در این نوع طلاق عدم وقوع آن است ، به دلیل حدیث گذشته ، زیرا طلاق تصرف با اراده است که نتیجه آن خطرناک و بزرگ میباشد ، واجب است تا قصد بصورت واضح باشد ، تا اکراه و غضب در آن نباشد . جماعت از فقهاء و در بین شان طاوس الیمانی و إسماعیل بن إسحاق

طلاق بدعت و طلاق در حالت غضب /

جدائی نگیرید » چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر زیادی گذاشته باشد).

شریعت اسلام حق طلاق را برای مرد بشکل مطلق و بدون قید و شرط نداده باین معنی که مرد در هر لحظه و هر وقت و بدون سبب طلاق بدهد. مثلاً مرد حق طلاق زن را در وقت حیض ندارد و در سنت طلاق در وقت حیض زن از سنت نیست. در حالت غضب و عصاب خرابی طلاق نیست و اگر شوهر به طلاق زن قسم یاد کند طلاق نیست زیرا قسم خوردن بغیر از خدا در اسلام نیست.

اسلام طلاق را درحالات بسیار ضرورت اجازه میدهد و طلاق بدون سبب قوی و بدون ضرورت را در بسا موارد حرام و مکروه میدانند زیرا طلاق صدمه و ضرر را به خانواده وارد میکند. مرد درحالت دادن طلاق مشکلات اقتصادی را متحمل میشود و باید مهر را کاملاً بدهد و همچنان نفقه زن خود را در مدت عدت اش بپردازد و اگر طفل در میان باشد برای شیر دادن او برای مادرش پول و یا مزد بدهد. دادن مصارف زن تا ختم عدت نزد تعداد از صحابه و تابعین امثال علی بن ابی طالب و ابراهیم نخعی و ابن شهاب زهری و ابی قلابه و الحسن و سعید بن جبیر واجب است و دلیل شان آیه مبارکه 241 سوره البقره میباشد.

{و للمطلقات متاع بالمعروف حقا علی المتقین}
(و برای زنان طلاق شده چیزی از لوازم قابل استفاده بوجه شایسته و مشروع تادیه شود، این حقی است بر عهده پرهیز گاران). در نظر امام الحسن و عطاء خداوند مقدار معین از نفقه را برای زن بعد از طلاق معرفی نکرد بلکه مقدار و اندازه را به قدرت و توان مالی و اقتصادی شوهر گذاشته. در آیه 236 سوره

القاضی از بزرگان علماء مالکی، باین رأی هستند که قسم در حالت غضب واقع نمی شود، به دلیل قول خداوند تعالی: { لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم / البقرة: 225} خداوند شما را در سوگند های لغو و بیهوده شما مؤاخذه نمیکند.

حق زن در گرفتن طلاق

سؤال: شنیده میشود که در شریعت اسلامی تنها مرد حق دادن طلاق را دارد و زن از این حق محروم میباشد. اگر زن نتواند با شوهر خود زندگی را ادامه بدهد در این حالت به کدام وسیله میتواند از قید نکاح مردی که نمی خواهد با او زندگی را ادامه بدهد خود را آزاد سازد؟ آیا در فقه اسلامی خصوصاً در فقه ازدواج این مسأله بحث شده؟ آیا راه حل نیز در فقه ازدواج در این باب وجود دارد؟

جواب:

یک عده از مردم که ثقافت اسلامی شان محدود و ناقص است بدون اینکه در مسائل اسلامی تحقیقات بیشتر نمایند فوراً اسلام را متهم به ظلم و استبداد می کنند خصوصاً در موضوع نظام طلاق و زندگی خانوادگی.

بلی! اسلام طلاق را به دست مرد گذاشته و در صورتیکه ادامه زندگی مشترک بین زن و شوهر مشکل باشد در فقه ازدواج مرد میتواند زن خود را طلاق دهد. در سوره النساء آیه 19 می خوانیم: **{فإن کرهتموهن فعیسی أن تکرهوا شیئا و يجعل الله فیہ خیرا کثیرا}** (و اگر از آنها کراهت داشتید « تحمل کنید و با عجله تصمیم

حق زن در گرفتن طلاق /

یا دارائی خود به شوهر بدهد - این تعویض بنام خلع
یاد میشود -).

خلع در صورتی است که زن طلاق را مطالبه کند. اگر
زندگی مشترک برای زن قابل تحمل و قبول نباشد
میتواند از شوهر طلاق در مقابل خلع یعنی تنازل از
حقوق مالی خود بخواهد. در شریعت اسلام در مقابل
هر حق واجب و در مقابل هر واجب حق است. اگر مرد
طلاق میدهد باید مهر کامل را با مصارف زن در
مدت عدت و دادن شیر برای طفل را بدهد و در حالت
که زن طلاق بخواهد باید از حق مهر خود بگذرد و
این حق در مقابل واجب و واجب در مقابل حق است.

حق زن در حصول یا بدست آوردن طلاق :

شریعت برای زن راه های متعدد و مختلف را برای
خلاصی از شوهری که قابل زندگی نباشد پیشنهاد
میکند و ضمناً همانطوریکه مردم را به صبر در مقابل
رفتارنا مناسب و اخلاق زشت زن توصیه یا نصیحت
میکند که از صبر و حوصله کار گیرد و نگذارد که
رشته و پیمان خانواده برهم خورد ، زن را نیز به صبر
و استقامت و عدالت و جلوگیری از انهدام و نابودی
خانواده وصیت میکند .

شریعت اسلامی طرق و راه های ذیل را برای زن جهت
خلاصی از قید نکاح و ادامه با مردی که قابل زندگی
نباشد پیشنهاد میکند :

1) شرط گذاشتن زن در وقت نکاح بر اینکه طلاق از
حق او میباشد یا طلاق بدست او یعنی زن میباشد ،
این شرط در نزد امام ابو حنیفه و امام احمد جواز
دارد . در صحیح البخاری و مسلم حدیث مبارک
داریم : حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه ، قال : قال
رسول الله صلى الله عليه وسلم : (**أحق الشروط أن
توفوا به ما استحلتم به الفروج**) «لؤلؤ و مرجان ،

البقرة آمده که { **على الموسع قدره و على المقتر قدره** }
توانگر به اندازه خود و نادار بقدر خودش چیزی که
شایسته بخشش باشد به نحو پسندیده « در چار چوب
شرع و عرف » بهره مند سازد ، این حقی است بر
نیکوکاران) .

شریعت اسلامی حق زن را در انتخاب و اختیار شوهر
ثابت میداند . در آیه 234 سورة البقرة میخوانیم : { **فلا
جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف** } (بر شما
گناهی نیست در آنچه که ایشان راجع به نفس خود و به
وجه پسندیده « در حدود شرعی » تصمیم میگیرند ، و
خداوند به همه کردارتان آگاه است) . پدر و یا پدر کلان
حق ندارند دختر جوان را بدون رضایت اش به نکاح
مردی بیاورند . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دخترانی
که پدران شان ایشانرا مجبور به ازدواج کرده بودند
نکاح شانرا فسخ نمود و دختر را در انتخاب شریک
زندگی اش حق داد .

اسلام برای شوهر توصیه میکند که با زن خود با اینکه
قابل زندگی هم نباشد از صبر کار گرفته او را طلاق
ندهد . به همین ترتیب برای زن نیز توصیه میکند که زود
طلاق نخواهد و کوشش نماید تا زندگی خانوادگی حفظ
شود . اگر زن باین نتیجه رسیده باشد که نمیتواند حق
شوهر را بجا بیاورد در این حالت حق (**خلع**) را دارد .

آیه 229 سورة البقرة میخوانیم : { **فإن خفتم ألا یقیموا
حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت** } (پس اگر خوف
آن داشتید که حدود خداوندی را رعایت نکنند
«زندگانی زن و شوهری نا ممکن باشد » در آنصورت
باکی نیست که زن به عوض جدائی خود مقداری از مال

حق زن در گرفتن طلاق /

35) (اگر بیم داشتید که اختلاف میان زن و شوهر موجب جدائی میان آنان گردد ، پس حکمی از خانواده شوهر و حکمی از وابستگان همسر بفرستید ، اگر این دو حکم خواهان اصلاح باشند خداوند میان ایشان توافق و سازش عنایت فرماید ، یقیناً که خداوند (بر ظاهر و باطن و بر همه امور) دانا (و) آگاه است . حکمین یا دو حکم که قرآن کریم از آن نامبرده معنی آن **مجلس خانوادگی** است و مجلس خانوادگی که در آن اشخاص دانا و صاحب بصیرت حاضر میباشند حق فصل را دارند .

4) جدائی به دلیل عیوب (عیب ها) جنسی : اگر در مرد عیب جنسی باشد و از رابطه جنسی عاجز ماند ، در این حالت زن حق دارد به محکمه مراجعه نموده طلاق بخواهد و قاضی برای جلوگیری از ضرر طلاق میدهد .

5) طلاق به سبب ضرر رساند شوهر همسرش را . اگر شوهر به همسر خود ضرر برساند و از دادن نفقه ابا و ورزد و بالای زن ظلم نماید و زن را لت و کوب نماید ، زن حق دارد طلاق خود را بگیرد .

در سوره البقرة آیه 231 می خوانیم : { .. و لاتمسکوهن **ضارا لتعتدوا** } (آنها را جهت ضرر و اذیت نگه دارید تا به حقوق شان تجاوز نمائید و کسیکه چنین کند همانا بر خود ستم نموده است .) و آیه 229 البقرة { **فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان** } (یا رجوع به زن و نگهداری آن به وجه پسندیده و یا رها نمودن به نیکی) .

بعضی فقهاء برای زن اجازه میدهند که در حالت عدم دادن نفقه بصورت پسندیده و یا اگر شوهر فقیر باشد و نتواند نفقه بدهد حق دارد طلاق خود را بگیرد . با تدوین این قوانین شریعت اسلام حق زن را

حدیث: 894» { مستحق ترین شرطها که بجا آورید آنست که وسیله آن محل استمتاع زنرا حلال کنید } (مراد از آن شروطی است که منافی مقتضای نکاح نباشد) .

2) خلع: زنی که نتواند با مردی زندگی را ادامه دهد حق خلع را دارد . خلع معنی آن این است که زن از مهر و یا پولی که از شوهر گرفته برایش در مقابل طلاق بگذرد . این از عدالت نیست که مرد هم طلاق بدهد و

هم خساره ای مالی را متحمل شود . در حالت گرفتن طلاق از طرف زن مرد متحمل مشکلات اقتصادی می گردد . خداوند در سوره البقرة آیه 229 می فرماید : { .. **فإن خفتم ألا یقیما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افدتا به** . } (پس اگر خوف داشتید که حدود خداوندی را رعایت نکنند (زندگی زن و شوهری نا ممکن باشد) در آنصورت باکی نیست که زن به عوض جدائی خود مقداری از مال یا دارائی خود به شوهر بدهد (این تعویض بنام خلع یاد میشود) .

در سنت آمده: زن ثابت بن قیس از شوهر خود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شکایت و بغض یعنی بد بینی خود را نسبت به او اظهار کرد . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برایش گفت: اتردین علیه حدیقه ؟ آیا باغ او را برایش مسترد می کنی ؟ ، باغ مهر زن بود ، گفت: بلی . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای ثابت بن قیس گفت: باغ را که مهر بود بگیر و طلاق را بدهید . « البخاری: 6 / 170 کتاب الطلاق باب (12) از عبد الله بن عباس .

3) تحکیم در وقت شقاق (اختلاف) : خداوند می فرماید : { **و إن خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من أهله و حکما من أهلهما إن یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما** } (النساء :

حق زن در گرفتن طلاق /

در طلاق حفظ کرده و قانون الهی برای خیر و فلاح زن و شوهر میباشد.

خداوند فرق نگذاریم اگر کسی یک رسول را تکذیب میکند معنی آن این است که همه رسل را تکذیب میکند.

خداوند در سوره الشعراء: 123 می فرماید که قوم عاد مرسلین را تکذیب کردند ایشان فقط هود را تکذیب کردند. در آیه 17 سوره الشعراء خداوند می فرماید: اصحاب ای که مرسلین را تکذیب کردند. ایشان فقط صالح را تکذیب کردند و تکذیب کردند حضرت شعیب را در حالیکه این اقوام فقط یک رسول را تکذیب نمودند و خداوند در حق شان گفت ایشان تکذیب نمودند رسل را (کذبوا المرسلین) چرا؟ برای اینکه مؤمن نمی باشد کسی تا به همه رسل ایمان نیاورد.

(مرجع :) فتاوی معاصره ، جلد دوم . دكتور يوسف القرضاوى . الطلاق بيد الرجل ... فماذا تملك الزوجة الكارهة ؟ سايت القرضاوى 18 ربيع الاول 1428 - 4 اپريل 2007 .

با استفاده از: ترجمه معانی و تفسیر مختصره جزء اول قرآن کریم. دكتور عبدالستار سيرت. لؤلؤ و مرجان ، ترجمه: محمد حنيف (حنيف) بلخى، مراجعه: دكتور عبدالستار سيرت.

ایمان شرط قبول عمل صالح است

در برنامه (الشريعة و الحياة) شریعت و زندگی که در هر هفته تلفزیون قطر با علامه یوسف القرضاوی دارد ، در این هفته در مورد ایمان شرط قبول عمل صالح است ، بود و در برنامه سؤال شده آیا عمل نیک که غیرمسلمانان انجام میدهند نیز قبول میشود .

علامه القرضاوی جواب داد :

اولا شرط قبول اعمال نزد خداوند ایمان است . کلمه ایمان را لازم است قدری شرح نمائیم زیرا بعضی تصور کرده اند که همه مؤمن اند . انسان مؤمن نیست مگر اینکه به تمام رسل و انبیاء ایمان نیاورد ، یهود ها مؤمنین نیستند زیرا به حضرت عیسی که خداوند او را فرستاد ایمان نیاوردند ، یهود و نصاری از جمله مؤمنین نیستند زیرا به محمد که فرستاده خداوند است ایمان نیاوردند و ایمان به همه انبیاء و رسل اساس ایمان است . در قرآن کریم می خوانیم: « ... لا نفرق بین احد من رسله * البقرة: 285 » . میان هیچیک از پیغمبران

شرط مؤمن بودن این است که به تمام کتب و تمام انبیاء ایمان داشت اگر شخصی یکی از رسل را تکذیب نماید مثلیکه همه رسل را تکذیب نموده . ایمان آوردن به رسل واجب است و اگر کسی حق را دانست لیکن از باب حسد و کینه و کبر ایمان به رسل نمی آورد درباره شان خداوند می فرماید: { بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را بعد از ایمان بکفر برگردانند به سبب حسدی که در طبیعت شان نسبت به ایمان شما دارند پس از آنکه حق به آنها آشکار گردید . پس عفو کنید و در گذرید تا وقتی که فرمان خدا (در مورد جنگ یا صلح) برسد ، بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است * البقرة: 109 } .

آنانیکه حق را میدانند لیکن به باطل چنگ می زنند و میدانند لیکن کفر میکنند و کسانیکه میدانند که این رسول است که خداوند او را فرستاده و ایمان نمی آورند کفار اند و خداوند اعمال شان را قبول نمی کند و عمل بدون ایمان مورد قبول خداوند نیست.

عقیده امام ابو حنیفه رضی الله عنه

امام در عقیده اش راجع به قرآن کریم میگوید: قرآن غیر مخلوق است.

اقوال امام ابو حنیفه در مورد ایمان:

امام ابو حنیفه در باره ایمان میگوید: «ایمان اقرار و تصدیق است.»
و اضافه میکند که: «ایمان اقرار به زبان و تصدیق به قلب میباشد و اقرار به زبان تنها ایمان نیست.»
در نزد امام ابو حنیفه ایمان اصل ثابت بوده زیادت و نقصان را ندارد و عمل خارج از حقیقت ایمان است.

در موضوع ایمان تمام امامان مذاهب و امام بخاری با امام ابو حنیفه مخالف اند و ابن عبدالبر و ابن ابی العز نظر دارند که امام ابو حنیفه از نظریه خود نسبت به عمل در تعریف ایمان صرف نظر نموده بود، باقی علماء میگویند که خداوند میداند.
اقوال امام ابو حنیفه در باره صحابه:

امام ابو حنیفه در باره صحابه میگوید: «ما تمام صحابه ای رسول الله صلی الله علیه وسلم را به نیکوئی یاد میکنیم.»

امام نظر دارد که: «ما هیچ کدام از صحابه را مخالف یکدیگرشان نمی دانیم.»

امام میگوید: «زندگی هر فرد از صحابه یک ساعت با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بهتر است از عمل هر کدام در تمام عمر اگر زیاد هم شود.»

امام میفرماید: «اقرار میکنیم که بهترین صحابه بعد از رسول کریم صلی الله علیه وسلم ابوبکر الصدیث بعد از آن عمر بن الخطاب بعد از آن عثمان

اول: اقوال امام ابو حنیفه در مورد توحید:

امام اعظم در مورد توحید میگوید: «نباید کسی خداوند را یاد کند مگر قسمیکه خودش خود را یاد کرده است.» امام کراهیت دارد اگر کسی بگوید ای خداوند! بحق فلان از تو میخواهم و یا به حق حق پیغمبرانت یا بحق بیت الله.

ابو حنیفه میگوید: «خداوند متعال بصفات مخلوقات توصیف نمیشود، غضب و رضای خداوند دو صفت از صفات او تعالی است.»

امام میگوید در قرآن از دست و نفس و روی خداوند ذکر شده و این همه از صفات ازلی خداوند است و اضافه میکند که برای کسی لازم نیست تا در ذات خداوند بغیر از صفاتی که خداوند خودش خود را توصیف نموده چیزی بگوید.

امام عقیده دارد که هیچ مخلوق با خالق تشبیه نمیشود و خداوند قائم به اسماء و صفات خود میباشد.
امام میگوید: خداوند بصفات مخلوقات صفت شده نمیتواند.

امام ابو حنیفه معتقد است هر کسیکه خداوند را بیکی از معانی بشری وصف کند کافر میشود. و اضافه میکند که کسیکه بگوید که نمیدانم خدا در آسمان است و یا در زمین کفر میکند.

امام ابو حنیفه عقیده دارد که: قرآن کلام الله سبحانه و تعالی میباشد که در مصحف نوشته و در قلوب حفظ گردیده و در لسان قرائت شده و برای نبی الله صلی الله علیه وسلم نازل گردیده است.

عقیده امام /

مطالعه تحقیق برای همه هموطنان خصوصاً مجریان قانون و انصار شریعت ضروری میباشد. هموطنان گرامی تحقیق را از آدرس فقه اسلامی بدست آورده میتوانند. قیمت کتاب: 20 دالر و 5 دالر قیمت پست داخل امریکا.

بن عفان و بعد از آن علی رضوان الله علیهم اجمعین میباشند.»

امام اضافه میکند: «بهترین مردم بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم ابوبکر، عمر، عثمان و علی بوده و تمام اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را به نیکوئی یاد میکنیم.»

مطالعه اسلامی در باب

هنر و موسیقی

(جواز و عدم جواز)

تألیف: فضل غنی مجددی

این تحقیق در 200 صفحه بطبع رسیده. در این تحقیق موقف اسلام از موسیقی و هنر مطالعه می شود. تاریخ موسیقی و هنر در فرهنگ و مدنیت اسلامی مهمترین موضوع این کتاب است. مطالعه این اثر برای آنانیکه در تاریخ فرهنگ و هنر و مدنیت اسلامی علاقه دارند مفید است. انتقال مدنیت اسلامی به اروپا و نقش هنرمندان مسلمان در پخش هنر در اروپا در این تحقیق برآزنده شده است. موضوع فقهی عدم جواز و جواز هنر و موسیقی بحث جالب است، در این تحقیق به اثبات رسیده که اسلام هنر های زیبا را نه تنها منع نکرده بلکه در نشر و اصلاح آن کوشیده و اسلام هنرها را بعد اخلاقی داده.

قیمت کتاب برای امریکا: 15 دالر و 5 دالر مصارف پست.

تحقیق جدید

«شریعت اسلامی و قابلیت تطبیق در عصر حاضر»

تألیف: فضل غنی مجددی

شریعت الهی معصوم، و اما تطبیق آن انسانی و غیر معصوم میباشد و ممکن انسان در تطبیق آن در صواب و یا خطاً باشد. شریعت اسلامی زمانی قابلیت تطبیق را میداشته باشد که نظام کامل اسلامی، آزادی های سیاسی و دینی و اقتصادی و امنیت جانی و مالی و غذائی آماده شود. علامه مرحوم دکتور یوسف القرضاوی میگوید: دیموکراسی و آزادی قبل از تطبیق شریعت میباشد و اگر آزادی نباشد شریعت وسیله برای استبداد و دیکتاتوری میباشد.

در این تحقیق شریعت تعریف، و اهداف آن که عبارت از مصلحت دنیوی و آخروی انسان است برآزنده میشود. تجربه های تطبیق شریعت اسلامی در یک قرن اخیر و اسباب ناکامی و عوامل کامیابی آن. تدرج در تطبیق و قبول مردم شریعت را قبل از تطبیق آن. مقاصد شریعت. نقش انسان در تدوین قوانین شرعی و موقف شریعت از حقوق انسان و حقوق زنان به تفصیل شرح شده است.

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979-9489

510-673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

islaminfo,one

aamo-usa.com